

# روزنامه شرق

شنبه ۲۷ دی ۱۳۹۹ • ۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۶ ژانویه ۲۰۲۱  
سال هجدهم • شماره ۳۹۱۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۷:۳۵  
اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشت



سکوت قانون در برابر ساخت‌وسازهای روستای زیارت استان گلستان، عکس: مهسا صفری، مهر

یادبود

## فارسی، زبانِ روح ماست!



مهدی حجوانی

محمود کیانوش ۲۳ دی‌ماه ۹۹ درگذشت.

سال ۱۳۹۸ پستی در اینستا گذاشتم و به جوانمردگی مطبوعات کودک اشاره کردم. گاهنامه «قلمر ادبیات کودک» را مثال آوردم که مدتی سردبیرش

بود. در آن پست به مطلبی از محمود کیانوش اشاره کردم که به درخواست ما برای قلمرو فرستاد. مطلبی درباره کتاب شعر نوجوانانه «پشت یک لبخند» بیوک ملکی بود. در آن سال‌های فقر نقد، مطلب وزین کیانوش چشمگیر بود. سندی از نسل قبل بود که نشان می‌داد شاعران نسل جدید بعد از انقلاب در حوزه شعر نوجوان درخشیده‌اند.

از نوشته‌های دیگرش چند خاطره دارم. یکی ترجمه‌ای از نمایش‌نامه «سیر روز در شب» نوشته یوجین اونیل بود. یکی از استادان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تکلیف کرد که این نمایش‌نامه را بخوانیم و در کلاس درباره‌اش بحث کنیم. دومی مطلبی عالی در موضوع شکسته‌نویسی در ادبیات کودک بود و سوم شعرهایش به‌ویژه در حوزه کودک و نوجوان. آن شعرها در روزگار خودش نسبت به شعرهای بزرگانی همچون زنده‌یاد عباس ییمینی شریف و زنده‌یاد پروین دولت‌آبادی در جایگاهی برتر ایستاده بودند (اگر اصولاً مقایسه در این میدان کار درستی باشد).

هرچه هست کیانوش را به درستی پدر شعر کودک نامیده‌اند. او انسانی بسیار فرهیخته، با متانت و پرتلاش بود. دوبر توفیق یافتم او را ببینم. یک بار در نمایشگاه کتاب تهران بود. حین صحبت عکاسی آمد و عکس گرفت و مثل خیلی از اتفاق‌های این‌چنینی دیگر نه از عکس نشان ماند و نه از عکاس. بار دوم سال ۱۳۸۱ بود که برای بازدید از نمایشگاه کتاب به لندن رفتم و با او تماس گرفتم. بزرگوارانه من و دوستام، علیرضا متولی (مدیرمسئول نشر رویش) و برادرش امیر متولی را به صرف چای در حیاط کوچک منزلس دعوت کرد. خیلی حرف‌ها زدیم. از بیماری خودش و همسرش خسته بود. می‌گفت ما هر دو بیماریم و هر دو پرستار هم‌دیگر. از بیمارستان دولتی شاکي بود که خیلی دیر به آنها نوبت داده بود. درباره خدماتش به ادبیات و شعر کودک صحبت شد. آزرده بود که شعرها و آثار کودکان‌اش باعث شده‌اند تا آثار بزرگسالانه‌اش خوب دیده نشوند. واقعیت‌اما این بود که مخالفانی توطئه نکرده بودند تا آثار بزرگسالانه او دیده نشوند. همچنین هوادارانی زمینه نچیده بودند تا شعرهای کودکان‌اش در روزگار خودش بر صدر بنشینند. آثار ادبی تا حد زیادی خودش‌ان راهاش را باز می‌کنند. وانگهی مگر نوشتن برای کودکان نشانه کم‌مایگی است؟ با این‌همه نه دلم آمد و نه صلاح دیدم با استاد خسته در این موضوع چالش کنم. علیرضا یک دوربین جدید خریده بود و هنوز طرز کارش را خوب نمی‌دانست. بلند شد و دوربینش را روی ما امتحان کرد و به خیال خودش چند تا عکس از ما گرفت. بعد معلوم شد دوربین (گردن شکسته) عکسی نینداخته! پیش از خداحافظی، خوب یادم هست علیرضا شاکي با این مضمون از استاد پرسید: این همه سال که خارج از ایران بوده‌اید، زبان فارسی‌تان ضعیف نشده؟ و پاسخ کیانوش برای همیشه در ذهنم حک شد: «به‌هیچ‌وجه. فارسی، زبان روح ماست». روخش شاد و یادش باقی.

پیشخوان

**شماره جدید «نقد و بررسی کتاب» منتشر شد**

● شصت‌وششمین شماره فصلنامه «نقد و بررسی کتاب» به مدیریتمسئولی هرمز همایون‌پور منتشر شد. قطعا مهم‌ترین اتفاق پایل سال ۹۹، درگذشت محمدرضا شجریان در عرصه فرهنگ و هنر است و این نشریه در صفحه اول با آوردن شعرهای از «محمدرضا شفیعی‌دککنی» و مجموعه مقالاتی درباره جایگاه این هنرمند فرهیخته و مهم کشورمان ادای دینی به او کرده است. «احمد کاظمی‌موسوی» در مقاله‌ای با عنوان «افزایش عزت و اقتدار از راه

فرهنگ» به دستاوردهای پایدار به‌دست‌آمده از طریق فرهنگ در طول تاریخ ایران پرداخته است. اما این نشریه به نقد و بررسی کتاب‌های مطرح نیز می‌پردازد؛ ازجمله کتاب «در دفاع از خلیل ملکی» که ناصر تکمیل‌همایون به بررسی آن پرداخته و فرید قاسمی و منوچهر برومند نیز دیگر نویسندگان و معرفی‌کنندگان کتاب‌های مطرح منتشرشده هستند. سخنرانی بردنگان جایزه نوبل ادبیات در کنار تحلیل حسن ذوالفقاری از افسانه امیراسلان نامدار، جزء مطالب این شماره است.

این شماره با قیمت ۲۵ هزار تومان و ۱۸۴ صفحه منتشر شده است.

رسانه

### تکلیف ما با فضای مجازی چیست؟



پژمان موسوی

آیا فضای مجازی می‌تواند منبع خبر باشد؟ آیا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند مرجع درست و دقیقی برای روزنامه‌نگاران و خبرنگاران باشند؟ حد و مرز این وابستگی تا کجاست؟ این سه پرسش و

پرسش‌های مشابه دیگر، از یک نگرانی جدید می‌آیند؛ نگرانی‌ای که پس از حاکمیت مطلق فضای مجازی بر سپهر رسانه‌ای ایران، برای طیفی از روزنامه‌نگاران و مدیران مطبوعاتی مطرح شده است. صورت مسئله این است: حد و مرز «بهره‌گیری» رسانه‌های مکتوب و مجازی از محتوای تولیدشده و اخبار منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی تا کجاست؟ آیا می‌توان به طور مطلق، به شبکه‌های اجتماعی اعتماد کرد و «استناد» را جای «بهره‌گیری» نشاند؟ روزنامه‌نگاران تا چه میزان می‌توانند و باید تحت تأثیر فضای مجازی و اخبار مندرج در آن باشند؟ آیا خبرنگار/روزنامه‌نگاران می‌توانند به اخبار منتشرشده در فضای غیررسمی «استناد» کنند و تحلیل‌ها و جهت‌گیری‌هایشان را براساس آن سامان دهند؟ حتی همان «بهره‌گیری» را چه؟ خبرنگار/روزنامه‌نگاران آیا مجاز به بهره‌گیری تام و تمام از فضای مجازی هستند؟ آیا شبکه‌های اجتماعی و فضای غیررسمی صلاحیت و جایگاه این را دارند که به روزنامه‌نگاران و فضای رسمی مطبوعات و خبرگزاری‌ها «خط» بدهند؟ این پرسش‌ها و دغدغه‌هایی که در پس آن وجود دارد، این روزها و با نفوذ حیرت‌انگیز فضای مجازی در زندگی همه، بیش از همیشه جدی شده و کار به جایی رسیده که باید درباره آن چاره‌جویی شود.

در اینکه در عصر ارتباطات و در زمانه‌ای که وسایل نوین ارتباط‌جمعی نقشه‌ی مهم در زندگی مردم دارد، نمی‌توان به فضای مجازی بی‌توجه بود، کمتر کسی است که تردید دارد؛ مهم، میزان اعتماد خبرنگار/روزنامه‌نگاران به آن و تعیین خط‌مشی خود براساس مندرجات آن است. یک اصل مسلم است: برای روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، «اعتبار منبع» حرف اول و آخر را می‌زند؛ اینکه خبری کجا، چگونه و از سوی چه نهاد یا مقام مسئولی منتشر می‌شود. براساس این هم هست که اگر خبری در فضای مجازی منتشر شد، خبرنگار/روزنامه‌نگاران موظف‌اند آن را با منابع خود چک کنند و در صورت تأیید، اقدام به انتشار یا تنظیم سیاست خبری خود براساس آن کنند. این می‌شود همان «بهره‌گیری» که با اعمال پیش‌شرط‌های حرفه‌ای و دهه‌ا اماواگر، می‌تواند جلوی پای خبرنگار/روزنامه‌نگاران باشد؛ «استناد» اما موضوع به‌کلی متفاوتی است که اساسا در این مقوله نمی‌گنجد. روزنامه‌نگاران حرفه‌ای باید در برابر دیکتاتوری ادمین‌های فضای مجازی و مدیران کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی که به نظر می‌رسد تصور می‌کنند این روزها کنترل افکار عمومی و حتی روزنامه‌نگاران حرفه‌ای را هم به دست گرفته‌اند و بدون هیچ‌گونه احساس مسئولیتی از عواقب خبرهای منتشرشده، در حال خبرسازی و شیوع شایعات گوناگون هستند، بایستند و به آنها اجازه ترویج دروغ و شایعه و خبرسازی‌های کاذب را ندهند.

در واقع روزنامه‌نگاران باید دروازه‌بانی باشند که با دروازه‌بانی خبر، سرشته کار را در دست گرفته و اجازه گسترش دروغ و شایعه را به کاسبان دروغ نباشند. می‌توان امیدوار بود که حتی فعالان شبکه‌های اجتماعی نیز، شاید برای مدتی اسیر و مرعوب شایعات و دروغ‌ها و اغراق‌های فضای مجازی شوند؛ اما روزنامه‌نگاران حرفه‌ای که نباید منبع مورد استنادشان فقط «تلگرام» یا دیگر شبکه‌های مجازی مشابه باشد. روزنامه‌نگار دقیقا به باشد و هر شایعه یا دروغی را «خبر» تلقی نکرده و خط‌مشی و تحلیلش را براساس آن سامان ندهد. روزنامه‌نگاران از معنود گروه‌هایی هستند که اساسا نباید تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی و غلبه روح سرعت و اغراق حاکم بر آن به جای رعایت اصل دقت و صحت باشند. روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای اگر استناددار کار کنند و حرفه‌ای باشند، به جای بهره‌گیری و استناد، باید تأثیرگذار بر فضای مجازی و جداکننده سره از ناسره در این حوزه باشند «استادانت‌شان» را تنها و تنها براساس مناج معتبر خبری سامان دهند. اگر چنین باشد، می‌توان امیدوار بود که این فعالان شبکه‌های اجتماعی و ادمین‌های گروه‌ها و کانال‌های فضای مجازی هم کمی حرفه‌ای شوند و حرفه‌ای عمل کنند و از هراس از‌دست‌دادن مخاطب هم که هست، اندکی دقت و کمی صحت را چاشنی کار کنند؛ در غیراین‌صورت و چنانچه روند معکوس باشد، هیچ آینده‌ای را نمی‌توان برای اعتبار سپهر رسانه‌ای ایران قائل بود و باید صحنه را دوستی به شال‌لاتان‌ها واگذار کرد و به آرامی در افق محو شد. انتخاب با خودماست است....

محمد درویش

فعال محیط زیست



در اواخر فروردین ۱۳۹۹، محیط‌بان سیدامین هادی‌پور در یورشی ناجوانمردانه به پاسگاه محل خدمتش در گوتند - شمال خوزستان - مورد اصابت گلوله قرار گرفته و متأسفانه به دلیل خون‌ریزی شدید، پای راستش را از دست می‌دهد. او فقط ۳۸ سال دارد، تحت شکنجه قرار گرفت، اما حاضر نشد با تبهکاران



علی کیافر  
معمار، شهرساز، استاد دانشگاه کالیفر نیا، آمریکا

«من این‌گونه

به اعتماد

نام خود را با تو می‌گویم

کلید خانه‌ام را در دست می‌گذارم.»

احمد شاملو، الف - بامداد

یکی از اصولی‌ترین مبانی معماری در ارتباط تخیل معمار در طرح فضا و سپس ساخت آن با بهره‌برداری مردمان و مخاطبان آن، از صاحبان تا بهره‌وران، شکل می‌گیرد. هیچ فضای ساخته‌شده‌ای را شاید نتوان یافت که نخواهد به جنبه‌های گوناگون نیازهای انسان‌ها پاسخ دهد. در مقابل، مردمان با بنای معماری، چه فضای داخلی و چه فضای خارجی آن، رابطه برقرار می‌کنند؛ رابطه‌ای که هم بصری است، هم حسی و هم کاربردی. یک سازه، برای هر مقصودی که به وجود آمده باشد، کم یا زیاد دیده می‌شود. حس می‌شود و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. ازاین‌رو آنچه باید مطرح باشد و پایه حساسیت حرفه‌ای و شخصی معماران، برخوردارشدن مخاطبان و رضایت‌یافتن آنان از محصول فکر و عمل آنان است؛ سوای جنبه‌های اشتغال‌یابی و درآمدزایی که درست یا نادرست، وزنه سنگینی در حرفه معماری پیدا کرده‌اند، در سرزمینی کمتر و در فرهنگی بیشتر.

از میان ابزار مختلفی که برای سنجش میزان پذیرفته‌شدن و بهره‌بری مردمان از یک بنا و پاسخ‌گویی آن به نیازهای آنان -و حتی کشف احساس آنان- می‌توان به کار برد، دریافتن برخورد شفاف، بدون تعارف و بی‌حسابگری دیگران از یک بنا و اثر معماری است. به باور من، چنین تعامل و گفت‌وگویی بین معماران و حرفه‌مندان در حوزه معماری، بین مخاطبان و بهره‌بران و ارتباط‌دارندگان (همچون صاحبان کار و مدیران) با معماران باید وجود داشته باشد. نیز می‌توان اندیشید که طراح و سازنده یک بنا -به‌ویژه سازه‌های فرهنگی، هنری و اداری عمومی- تأثیر کار خود بر مردمان عادی را که در ارتباط با آن اثر قرار می‌گیرند، جست‌وجو کند. آیا برای یک معمار نمی‌تواند جذابیت، اگر نه لزوم داشته باشد که بداند گسترده وسیع‌تری از جامعه چگونه با آنچه او خلق کرده، برخورد و رفتار می‌کند؟

از زاویه دید من، عمدتا از چنین محمل‌هایی است

سلام به فردا

# چرا کارزار ملی دست\_ یار پیروز شد؟

و جنبشی موسوم به #دست\_یار آفریده شد؛ جنبشی در سخت‌ترین شرایط اقتصادی کشور. اما خوشبختانه ۶۹ هزارو ۷۱۱ نفر از دو هزار تومان تا ۱۴ میلیون تومان کمک کردند و در ۲۵ دی‌ماه توانستیم رقم مورد نیاز برای خرید پای هوشمند سیدامین را فراهم کنیم. این پا، البته فقط پای سیدامین نیست، بلکه پال پرواز همه ماست تا ناامید نشده و قدردان یکدیگر بمانیم و بدانیم ثمره همدلی می‌تواند معجزه‌های بزرگی را رقم زند. ما باید دلیل حال خوب هم بمانیم و یکوشیم تا فرزندان آینده وطن به ایرانی‌بودن خویش همچنان مفتخر بمانند.

دست‌سازه

در گستره شناخت و نقد معماری-بخش نخست

## نشانه‌های خانه‌ات را به من بگو

کارهایشان ارزش می‌گذارند، یاد کنند و آثاری از آنان را که می‌پسندند، معرفی کنند. نقد و بررسی کار دیگران که اصلا مقوله دور از دسترسی است. درعین‌حال نداشتن آگاهی و شناخت کامل از آنچه در صحنه معماری اکنون و گذشته نه‌چندان دور حضور دارد، در تعدادی از انتخاب‌شدگان ارزشمندی که من بخت گفت‌وگو با آنان را داشتم‌ام، عامل دیگری برای عدم تمایل به گفت‌وگو درباره کارها و سبک و تفکر دیگر معماران و شهرسازان و همکاران است. به دفعات دلایلی برای این عدم علاقه آورده شده است که در فرهنگ ما بیگانه نیستند. اما در برابر تاکید و چالش من بسیار اتفاق افتاده است که سر صحبت خصوصی -به نوعی درد دل- باز شده و انتقادهایی از آثار دیگران بیان شده است که خود بازتابید بر محاسبه‌گری برای جلوگیری از نتایج منفی احتمالی و به قولی دلگیری از سوی دیگران است.

در مقابل اما در بازخورد به مقوله نقد و گفت‌وگو از معماران و معماری، نسل جوان‌تر، به‌ویژه دانشجویان، شجاعت بیشتری دارند و اگر در ابتدا ترس و دلهره‌ای از بیان دیدگاه‌های خود درباره بناهایی که دیده‌اند و به نوعی تجربه کرده‌ان و حتی درباره معماران داشته باشند، پس از بیان من در اهرمیت این گفت‌مان از لزوم شکستن تابوها، پرده‌ها را کنار می‌زنند و حدیث دل را بیان می‌کنند. این واقعیت دست‌کم برای من که دغدغه فرهنگ و هویت مردمان وطن همیشه اصلی‌ام را با وجود بیش از ۴۰ سال دوری جغرافیایی ولی نزدیکی حسی به آن، داشتم‌ام، بسیار دلگرم‌کننده است، بر پایه این تجربه بر آن شده‌ام که نگاه برخی از اندیشمندان و معماران به بناهای گوناگون را با دیگران در سطح گسترده‌ای به اشتراک بگذارم. ازاین‌رو با تشکر از فرصتی که روزنامه «شرق» به من ارزانی داشته است، من برای مدتی هر هفته در همین روز و همین صفحه به گفت‌مان شناخت و نقد معماری و بازتاب دیدگاه گروهی از اندیشمندان و حرفه‌وزران که دعوت من را برای بیان خود از نشانه‌های معماری در خانه ما ایران پذیرفته‌اند، خواهم پرداخت؛ آن بناها را که شاخص دیده‌اند، تجربه و حس ویژه‌ای نسبت به آنان دارند و رابطه‌ای که با آنان برقرار کرده‌اند، با خوانندگان در میان می‌گذارم. از داریوش آشوری، داریوش شایگان، سیدحسین نصر و هوشنگ سیحون آغاز می‌کنم و به گروهی از معماران و شهرسازان در سطوح و تجربه‌ها و سن‌های گوناگون، با بیاو بدن ذکر نام که احترام من به خواسته آنان است، می‌رسم. به امید دیدار در دو هفته دیگر.

اتفاق

## بسته‌شدن پنجره ارتباطی

افرادی که میل جنسی به کودکان دارند، نقش دارند. البته کار به پیام‌های تهدیدآمیز اینترنتی خلاصه نمی‌شود. توییتر می‌گوید که تصمیمش به اقدام علیه کیوانان به دلیل احتمال رساندن «آسیب در فضای واقعی» بود. تعدادی از حامیان کیوانان به خاطر تهدید و دست‌زدن به اقدامات مختلف در فضای واقعی دستگیر شده‌اند. یک مورد قابل‌توجه در سال ۲۰۱۸ به مرد مسلحی به نام متیو رایت مربوط بود که یکی از پل‌های سد هورور را مسدود کرد. او بعدا اتهام دست‌زدن به اقدامات تروریستی را پذیرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر آمریکایی‌ها چیزی درباره کیوانان چندانی نمی‌دانند. اما باید بداند که میزان خلیسی از پیروان این جنبش از دونالد ترامپ است. ترامپ دانسته یا ندانسته، حامیان کیوانان را ری‌توییت کرده است و ماه گذشته نیز پسرش اریک ترامپ یکی از میم‌های کیوانان را در اینستاگرام خود گذاشت. چندین نفر از حامیان کیوانان در انتخابات نوامبر نامزد نگنره شده‌اند. اکثر آنها شانس ناچیزی دارند اما بعضی‌ها، مثل مارجرئی تیلور گرین در ایالت جورجیا، به نظر می‌رسد که شانس خوبی برای رسیدن به مجلس نمایندگان داشته باشند. به احتمال نسبتا زیاد یکی از حامیان کیوانان، یا شخصی همدل با این تئوری توطئه، در کنگره بعدی آمریکا روی یکی از کرسی‌ها خواهد نشست.

می‌دهند و در دولت، بازار و رسانه‌ها رخنه کرده‌اند،

می‌جنگد. بی‌بی‌سی می‌نویسد پیروان کیوانان باور دارند که این مبارزه نهایتا به روز حسابی ختم خواهد شد که در آن افراد سرشناسی مانند هیلاری کلینتون دستگیر و اعدام می‌شوند. خلاصه داستان این است اما تعداد شایعه‌ها، انحرافات و مباحث طولانی چنان زیاد است که کل ادعاهای کیوانان سر به فلک می‌گذارند، و اغلب هم متناقض است. طرفداران کیوانان با دنظرگرفتن اتفاقات خبری، حقایق تاریخی و علم‌الاعداد به نتایج خیره‌کننده‌ای می‌رسند. باین‌حال شاید گمان می‌کنید که این‌گونه ادعاها طرفداران چندانی هم ندارد. اما باید بداند که میزان ترافیک مرتبط با این تئوری در شبکه‌های اجتماعی معروف مانند فیس‌بوک، توییتر، ردیت و یوتیوب از سال ۲۰۱۷ به بعد شدیداً افزایش پیدا کرده است و به نظر می‌رسد این مراجعات در جریان همه‌گیری ویروس کرونا بیشتر هم شده باشد. اگر شبکه‌های اجتماعی را معیار قرار دهیم، صدها هزار نفر هستند که حداقل بعضی از تئوری‌های عجیب‌وغریب ساخته کیوانان را باور کرده‌اند. طرفداران کیوانان بد طولانی در هشتگ‌زنی دارند و در آزار هرکسی که به نظرشان دشمن است، همکاری می‌کنند؛ از جمله سیاست‌مداران، خبرنگاران و چهره‌های شناخته‌شده‌ای که به گمان‌نشان در مخفی‌کردن

روزهای یابانی ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ یک چالش بزرگ در پی داشت و آن‌هم رویارویی و بندوبست‌ها در شبکه‌های اجتماعی بود. مهم نبود طرفدار ترامپ باشی یا حتی خود ترامپ که حذفت سبب شود تا سهام شرکت را ۱۰ درصد کاهش دهی یا مخالف ترامپ و بازیکر مشهور تا صفحات بسته شود. رابرت دنبرو پس از اینکه تویییتی علیه ترامپ زد، صفحه‌اش بسته شد. برخی از این رویدادها چنان تازه و جدید هستند که پای بحث‌های طولانی‌تری را هم باز کردند که شاید تنها به انتقال قدرت در ریاست‌جمهوری آمریکا محدود نشود. بسته‌شدن حساب توییتری دونالد ترامپ برای طرفداران حساب محدودیت دسترسی‌او به حساب سایر شبکه‌های اجتماعی و همچنین محدودیت برای شبکه‌های نوپایی چون پارلر که قرار بود میزان جدید حساب ترامپ باشد، موجب شد تا بحث‌های گوناگونی درباره آزادی بیان و قدرت شبکه‌های اجتماعی در آینده دنیا درگیرد. در این میان توییتر یک باره هزاران حساب کاربری مرتبط با جنبش «کیوانان» را هم بست. شاید این سؤال ایجاد شود که کیوانان چه کسانی هستند؟ آنها از علاقه‌مندان به تئوری‌های توطئه هستند. آنها بر اساس یک تئوری توطئه فراگیر و بی‌اساس می‌گویند که دونالد ترامپ دارد مخفیانه با نجبان شیطان‌پرستی که کودکان را مورد آزار جنسی قرار